

بررسی تطبیقی تخفیف مجازات در حقوق ایران و الجزایر

مهدی نقوی^۱، علی یوسف زاده^۲، هدی شوهانی پور^۳

^۱ هیئت علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی اصفهان

^۲ هیئت علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی اصفهان

^۳ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی اصفهان

چکیده

در تمام نظام‌های حقوق کیفری جهان تخفیف و کاهش میزان مجازات امری متداول است، منظور از تخفیف مجازات، کاستن از میزان مجازات یک جرم به علت وجود معاذیر قانونی و یا اوضاع و احوال موجب تخفیف است که موجب تخفیف در مورد شخص مجرم می‌باشد، در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی در پی یافتن قانون برتر از لحاظ اجرایی در موضوع تخفیف مجازات، میان حقوق دو کشور ایران و الجزایر بوده‌ایم چراکه هر دو آن‌ها برگرفته از یک قانون مادر یعنی قانون فرانسه می‌باشند، در بررسی‌های به عمل آمده این یافته‌ها به دست آمد که هر دو قانون در شرایط چارچوبی بسیار مشابهی به یکدیگر قرار دارند و تنها در برخی موارد خاص، گاهی ایران و گاهی الجزایر برتر عمل کرده است، اما در مقام قیاس کلی حقوق ایران دقیق‌تر بوده و بیشتر در راستای منفعت متهم کار کرده است، برای مثال در مبحث شمولیت تخفیف مجازات در صغر سن، دفاع مشروع، تعدد جرم، الزام به ذکر معاذیر مخففه و ...

واژگان کلیدی: تخفیف، مجازات، ایران، الجزایر، بررسی تطبیقی

مقدمه

تخفیف مجازات را میتوان مجازاتی که دوست مجرمین می‌باشد عنوان کرد، این مجازات با اهداف مختلف چون فردی کردن مجازات، کشف و کنترل عواقب جرم، اصلاح مجرم و نظامی که در راستای مصلحت مجرم عمل می‌نماید شناخت، این نهاد برای اولین بار بصورت رسمی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۰۴ با عنوانی دیگر وارد قانون ایران شده است و از آن زمان تا حالا، مراحل مختلفی را طی نموده است، اما در تمام مراحل هدف از اعطای تخفیف مجازات یاری رساندن به مجرم و کمک برای بازپروری وی و بازگشت مجدد وی به اجتماع می‌باشد، در قانون مجازات اسلامی جدید بر اساس ماده ۳۷ تخفیف مجازات چنین آمده است، در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند که خود همین ماده هدف از تخفیف و انواع تخفیف را صریحا آورده است. این نوشتار تلاش می‌کند تا به سوال‌های زیر پاسخ دهد:

سوال اول: با توجه به اینکه هدف از اعمال تخفیف مجازات در حقوق ایران، عمل در راستای نفع متهم اعلام شده، با مقایسه دو قانون آیا قانون داخلی به نسبت همتای خارجی خود به این هدف نائل آمده است؟

سوال دوم: آیا حقوق ایران در موضوع تخفیف مجازات برتر از حقوق الجزایر عمل نموده است؟

امروزه و با توجه به شرایط خاص جرم و مجرمین از قبیل شرایط خاص خانوادگی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و ... ضرورت وجود مجازاتی که در راستای نفع متهم باشد بسیار به چشم می‌آید، تخفیف مجازات همان اصلی است که در راستای نفع مستقیم متهم به کار رفته است، لذا در ادامه به بررسی موضوع تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران در وجهه‌های مختلف آن اعم از معنای لغوی و اصطلاحی، شرایط اعمال تخفیف، استثنائات آن و ... پرداخته‌ایم.

صرف نظر از آنکه هدف مجازات در نظام حقوقی ایران را ارباب و یا ایجاد ترس از ارتکاب جرم و بازدارندگی بدانیم، در طی روند رسیدگی در دادگاهها گاهی ممکن است قاضی با شرایط و اوضاعی مواجه گردد که با استناد به آن‌ها می‌تواند مجازات جرم را تخفیف دهد. تخفیف در مجازات قانونی به معنای تقلیل مجازات مرتکب به کمتر از حداقل آن است.

عوامل تخفیفی که توسط قانون گذار پیش بینی شده اند تحت عنوان "معاذیر قانونی" شناخته میشوند. علاوه بر این کیفیات مخففه دیگری نیز وجود دارند که در اختیار دادگاه می‌باشد و از آن تحت عنوان "کیفیات مخففه قضایی" یاد میشود.

نکته ی بعدی در خصوص تخفیف مجازاتهای قانونی، اعمال اینگونه مجازاتها صرفا در خصوص مجازات های تعزیری، بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی است. تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دبه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود.

از ویژگی های تخفیف مجازات، اختیاری بودن است بدین معنا که هرگاه بزهکار به موجب مقررات قانونی و تحقق عوامل مخففه مستوجب تخفیف باشد دادگاه ملزم به اعمال تخفیف نیست بلکه تخفیف از اختیارات محاکم است که در کلیه جرائم غیر از حد و قصاص و دبه قابل اعمال می‌باشد.

همچنین تفاوت «حد» و «تعزیر» آن است که حد مجازات معین و ثابتی است که در شرع مشخص شده اما تعزیر مجازاتی است که در شرع نیامده و مبنای جرم‌انگاری آن مصالح و منافع جامعه است، مانند جرایم راهنمایی و رانندگی و جرایم مربوط به تعزیرات حکومتی.

پیشینه‌ی تحقیق

- در تیرماه سال ۱۳۹۵ مقاله‌ای تحت عنوان " بررسی تحولات قانون مجازات اسلامی در حوزه تخفیف و تشدید کیفرها" در اولین همایش ملی آینده پژوهشی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی توسط آقایان محمود چراغی و ابوالفتح خالقی به رشته‌ی تحریر

درآمده، ایشان در این مقاله یک نگاه کلی به قانون جدیدالتصویب مجازات اسلامی ۱۳۹۲ داشته و آن را با قانون ۱۳۷۰ مقایسه نموده است و از دست‌آوردها و نوآوری‌های جدید در قانون جدید سخن رانده است.

- در سال ۱۳۹۵ مقاله‌ای با "عنوان بررسی مقررات مربوط به تخفیف مجازات (با تاکید بر قوانین جدید کیفری و قانون مجازات نیروهای مسلح)"، توسط "آقای مهدی جیشانیپور" در اولین کنفرانس حقوق و علوم جزا" تدوین شده است که به بررسی تخفیف مجازات در قانون مجازات نیروهای مسلح و تبیین شرایط آن پرداخته است.

- در سال ۱۳۹۶ پایان‌نامه‌ای با عنوان "تحولات تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲" توسط خانم فاطمه جمالویی در "دانشگاه قم" و با استاد راهنمایی دکتر ابوالفتح خالقی تدوین شده است و نگارنده در آن به بررسی تحولات قانون در خصوص تخفیف مجازات از لحاظ تاریخی و همچنین بررسی اهداف و روش‌های آن پرداخته است.

- در سال ۱۳۹۶ راضیه حسینی پایان‌نامه‌ای با موضوع "نهاد تخفیف و تشدید مجازات با مطالعه تطبیقی قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قدس با استاد راهنمایی دکتر فریبا مشیرپور به رشته‌ی تحریر درآورده است و در آن به بررسی و مقایسه‌ی مقررات قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و سال ۱۳۹۲ در بحث تخفیف مجازات پرداخته است و با پرداختن به این موضوع تلاش نموده است تا ابهامات و کاستی‌های هر دو قانون را بیان دارد.

- در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای تحت عنوان "تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲" چاپ شده در مجله‌ی حقوقی دادگستری، تالیف ابوالقاسم فلاحی به رشته‌ی تحریر درآمده است و در آن بیان نموده است که علی‌رغم اینکه تخفیف مجازات دارای ساختار ظاهری منسجم و سامان دهی شده است، نقاط ضعف و پنهانی نیز در آن وجود دارد که باعث تعارض با بخش‌های دیگر قانون است و برای رفع آن نیز پیشنهادهایی ارائه کرده است و...

- در سال ۱۳۹۸ "آقایان (آذرخش، روزبهانی دشتبانی و کردی)" مقاله‌ای تحت عنوان "جهت تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲" را در هشتمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه‌ی پایدار جامعه‌ی مدنی، ارائه نمودند و در آن به بیان اعتقاد خود بدین صورت پرداخته بودند، آن‌ها معتقدند تخفیف اعم از اینکه موجب معافیت از مجازات گردد یا موجب کاهش آن جنبه‌ی فردی داشته و اصولاً یکی از مهم‌ترین راهکارها جهت جهت فردی نمودن مجازات‌ها استفاده از نهاد تخفیف می‌باشد، به صورت کلی آن‌ها در این مقاله به شرح نهاد تخفیف مجازات و جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند.

روش تحقیق

گردآوری این تحقیق از طریق روش توصیفی تحلیل بوده است.

بررسی تخفیف مجازات از لحاظ لغوی و اصطلاحی

در این بخش به بررسی معانی لغوی و اصطلاحی و حقوقی تخفیف مجازات خواهیم پرداخت.

گفتار اول: معنای لغوی و اصطلاحی تخفیف مجازات

تخفیف در لغت به معنای کم کردن و کاستن است تخفیف پائین آوردن و کم کردن از مجازات است که در جهت کمک به حال مجرمین بر اساس شرایط قانونی اعمال می‌گردد. بر اساس ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تخفیف مجازات را میتوان کاستن از میزان مجازاتی دانست که به جهتی از جهات مخففه مشمول حال مجرم مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده متهم شده است نامید، تخفیف در اصطلاح حقوقی قانون عبارت است از تعیین درجات حقوق و حدود قانون یعنی وظایف افراد هیات جامعه بشری نسبت به هیات جامعه‌ی خود، (صانعی، ۱۳۹۴، ۲۴۲)، و در واقع سبک کردن مجازات است که می‌تواند به چندین صورت باشد از جمله تقلیل، حذف مجازات‌های تبعی، مجازات‌های تکمیلی و کاستن شدت مجازات به نحوی از انحاء است. (نوری، ۱۳۹۲، ۴۲۲)، تخفیف به این معناست که چنانچه دادگاه شخص مجرم را با احراز جهات تخفیف مستحق برخورداری از تخفیف دانست می‌تواند مجازات وی را به اینصورت که مناسب‌تر به حال متهم باشد تقلیل دهد یا به مجازات دیگری تبدیل نماید.

بخش دوم: بررسی علت تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در این بخش به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که اصلا چرا باید به مجرمی که مرتکب جرم شده است تخفیف داد.

گفتار اول: بررسی علت تخفیف مجازات

مجازات‌های قانونی گاه‌ها شدیدتر از آن مجازات‌هایی هستند که باید اعمال شوند لذا علت تخفیف مجازات را به نوعی میتوان عبارت از آن اوضاع و احوال خاصی دانست که در شرایط و موارد خاصی به اذن قانون مشمول حال مجرم می‌گردد، و از لحاظ اصطلاحی میتوان آن‌ها را جهات تخفیف مجازات نامید، به عبارتی علت تخفیف مجازات برای مرتکب جرم وضع جهات تخفیف در ق.م.ا ۱۳۹۲ می‌باشد، به اینصورت که چنانچه وضعیت مجرم بر حسب قانون به نحوی باشد که بتواند مشمول تخفیف گردد به سبب همان جهات وی از تخفیف بهره‌مند خواهد شد، در نتیجه علت تخفیف مجازات اسباب تخفیف می‌باشند.

گفتار دوم: جهات تخفیف در ق.م.ا ۱۳۹۲

لازم دیده ابتدا توضیحی در خصوص واژه‌ی قانون داده شود و سپس به ادامه‌ی توضیحات در خصوص جهات مخففه قانونی پرداخت، لغت قانون در لغت نامه‌ی دهخدا به معنای کانون است و عربی نیست، اصل قانون از کانون است که عبارت است از مقررات موضوعه توسط مقامات کلیسا، کلمه‌ی قانون معرب کلمه‌ی لاتین است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۵)، جهات مخففه آن دسته عواملی می‌باشند که تخفیف مجازات به سببیت آن‌ها و به موجب اذن صریح قانون و قانونگذار اعمال می‌گردد، بر اساس ماده ۳۸ ق.م.ا ۱۳۹۲ جهات تخفیف به این شرح می‌باشند:

الف) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

مهم‌ترین عامل مخففه قانونی گذشت شاکی خصوصی می‌باشد چراکه روند شروع به رسیدگی پس از شکایت وی آغاز شده، لذا زمانی که سخن از گذشت شاکی به میان می‌آید می‌توان عنوان داشت که مجرم از اعمال خود نادم است و سعی در جبران ضرر وارده به شاکی نموده و توانسته با اثبات ندامت خود رضایت شخص شاکی را جلب نماید. در جرائم قابل گذشت، گذشت شاکی تماما مسئله را حل نموده و مسئله‌ای برای صحبت باقی نخواهد گذاشت و به عبارتی گذشت شاکی موجب سقوط مجازات خواهد شد اما این مسئله در جرائم غیرقابل گذشت وجهه‌ای متفاوت دارد چراکه گذشت شاکی در این جرائم می‌تواند در مرحله‌ای از روند رسیدگی و در مرحله‌ی پس از صدور حکم و رای قطعی و یا حتی در حین اجرای مجازات به عمل آید و در همه‌ی این مراحل می‌تواند از موجبات تخفیف مجازات به حال محکوم علیه محسوب گردد نه سقوط مجازات. در این خصوص می‌توان به ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مراجعه نمود که بیان داشته (هر گاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرفنظر نماید محکوم علیه میتواند با استناد به استرداد شکایت، از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات صرفنظر نماید، در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق‌العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضاء و شمولیت تخفیف خواهد داد، این رای قطعی است)، از این بند می‌توان متوجه شد که بعضا حتی با وجود شمولیت مجرم از تخفیف مجازات این نهاد چه مقدار وابسته به عناصر ثانویه نیز می‌باشد، یکی از این موارد گذشت شاکی یا مدعی خصوصی می‌باشد که بنظر نگارنده قانونگذار این سد را به دو دلیل ایجاد نموده است، ابتدا برای جلوگیری از پایمال شدن حق مجنی علیه و دوم جهت ایجاد رعب و وحشت و بیم تجری مجرمین چراکه اگر مجرمی با توسل به نهاد تخفیف مجازات مطمئن باشد که مشمول تخفیف می‌گردد یا مجازات کمی برایش در نظر گرفته خواهد شد چه بسا قبح جرم ریخته و این نهاد به جای عملکرد مثبت باعث عملکرد منفی گردد (در جرائم غیرقابل گذشت) نتیجتا مشاهده می‌گردد که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی چه میزان اهمیت بالایی را در شمولیت شخص مجرم از جهات تخفیف را دارد.

ب) همکاری موثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

به نظر می‌رسد علت قرار دادن این بند در جهات مخففه تسهیل امر مامور ضابط از جهاتی باشد چراکه شیوهی ارتکاب برخی از جرائم چنان دارای سختی و پیچیدگی است که در صورت عدم همکاری مجرمان با ضابطان کشف جرم گاهی بسختی و گاهی غیر-ممکن به نظر می‌رسد، لذا این فرصت را می‌توان به صورت مختلفه‌ای از قبیل تشویق مجرمین در جهت همکاری با مراجع قضایی، تسهیل تحصیل اشیاء سرقت رفته و ... دانست که در صورتی که با همکاری موثر (یعنی همکاری که در راستای کشف جرم و روشن شدن زوایای مبهم جرم) با ضابطان انجام گیرد، یکی از موارد بسیار پرکاربرد در تخفیف مجازات دانست.

پ) اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

بصورت مختصر میتوان بیان داشت که منظور از اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم آن فعل، حرکت، رفتار یا گفتاری است که به سبب آن، شخص مجرم دست به حرکتی زده است و به عبارتی شخص مجنی‌علیه نیز خود به گونه‌ای در ارتکاب این جرم حضور داشته، هر چند این موضوع نمی‌تواند وجود جرم را بصورت کامل توجیه نماید اما به عنوان عاملی که در قصد و انگیزه‌ی وی موثر بوده است قابل اغماض و چشم‌پوشی نمی‌باشد؛ و در خصوص قسمت دوم بند (ج) نیز به نظر می‌رسد که منظور از آن، تفاوت قائل شدن میان دو مجرمی است که یکی از روی فقر و دیگری از روی برای مثال عادت دست به ارتکاب جرم زده باشد و بنظر می‌رسد که قانونگذار انگیزه‌ی شرافتمندانه را نه فقط در کلام و نص صریح قانون بلکه قلباً پذیرفته است.

ت) اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

قانونگذار با قرار دادن این بند موقعیتی را برای مجرمین پدید آورده است که بنا بر آن در صورتی که مجرمین قبل از شروع تعقیب خود را معرفی نمایند و کشف جرم را تسهیل نمایند از نهاد تخفیف مجازات بهره‌مند خواهند شد، چراکه اقرار یکی از بالارزش‌ترین ادله اثبات جرم است که می‌تواند دال بر ندامت اشخاص مجرم و نیت وی در جهت همکاری موثر باشد.

ث) ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ندامت عبارت است از پشیمانی قلبی متهم، و حسن سابقه عبارت است از اینکه متهم قبل از وقوع بزه فاقد سابقه‌ی کیفری بوده باشد. به این بند ایراداتی وارد شده است که به نظر می‌رسد کاملاً منطقی و به جا بوده است چراکه کلمه‌ی وضع خاص می‌تواند دال بر موارد بسیار گسترده‌ای باشد و غیر حصری است و در ماده تنها بر دو مصداق آن یعنی کهولت و بیماری اشاره شده است، لذا استفاده از واژه‌ی وضع خاص می‌تواند دست قاضی را در اعمال سلیقه‌ی شخصی باز بگذارد و راهی باشد در جهات سوءاستفاده‌ی قضات برای سود جستن و تصویب حکم بر اساس سلیقه و نظر شخصی.

ج) کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم، یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

این بند از جمله مواردی است که نیاز به اثبات عملی از سوی مجرم دارد چراکه صحبت از کوشش وی و اثری که کوشش وی باید بر روی مجنی‌علیه بگذارد نموده ایت، یعنی که بصورت عملاً اقدام به جبران ضرر وارده به زیان دیده می‌نماید و این به این معناست که چنانچه زیان زنده خود اقدام به جبران زیان کند همانا هدف از وضع این ماده که پشیمانی و اثرگیری است محقق گردیده است.

چ) خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم

درست می‌توان به همان نسبت که شدت زیان وارده در نتیجه‌ی ارتکاب جرم را باعث شدت بیشتر در مجازات دانست، کوچک و خفیف بودن آن را نیز می‌توان از عوامل و علل تخفیف مجازات دانست و به نظر می‌رسد که مقام صادر کننده در هنگام صدور حکم بین کم یا زیاد بودن زیان ناشی از جرم تفکیک قائل شده است، به عبارتی در این بند ملاک فقط ضرری نیست که مجرم زده است بلکه آن تاثیری نیز می‌باشد که به مجنی‌علیه وارد شده و اگر این ضرر زیاد نباشد می‌توان مجرم را مشمول تخفیف مجازات نمود،

برای مثال باید فرقی باشد میان آن مجرمی که با عملش به مجنی علیه ضرر جانی زده است با آن مجرمی که ضرری که وارد کرده است در حد یک توهین ساده باشد چراکه قطعاً در عین اینکه هر دو این جرم جزء تعزیرات می‌باشند اما اثر این دو یکسان نخواهد بود، به عبارتی حتی می‌توان این بند را کمک به بزهدار دانست.

ح) مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

به عبارتی این بند را میتوان اینگونه شرح داد که قاضی پرونده میزان مجازات را با توجه به میزان تاثیر هر یک از افراد (معاون، شریک، مباشر، فاعل) جرم حکم کند و در صورتی که مداخله‌ی یکی از اشخاص از بقیه ضعیف‌تر باشد آن را به عنوان یک جهت مخففه در نظر گیرد.

بخش سوم: انواع اعمال تخفیفات جزایی

تخفیف مجازات به دو صورت تقلیل مجازات و تبدیل مجازات تقسیم و اعمال میشود که در ادامه هر دو آن‌ها توضیحاتی آورده خواهد شد اما ابتدائاً لازم دیده توضیحاتی را در خصوص مجازات تعزیری آورده که چرایی آن را در گفتار اول خواهیم فهمید.

گفتار اول: تعریف مجازات تعزیری

شاید محل پرسش باشد که چرا در این قسمت سخن از تعریف مجازات تعزیری شده است، پاسخ این است که بنا بر نص صریح قانون در ماده ۱۳۷^۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعمال تخفیف مجازات فقط در مجازات‌های تعزیری امکانپذیر است، لذا لازم دیده که ابتدایاً به تعریف مجازات تعزیری بپردازیم، تعزیر آن مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد، این مجازات ابداً سختگیری‌های حدود و قصاص را نداشته و در برخی موارد قابلیت تبدیل، تقلیل و حتی تخفیف را به خود گرفته و مانند موم نرمی در دستان قانونگذار می‌باشد.

۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی تعزیر مجازات:

از آنجایی که اصل تخفیف مجازات تنها در تعزیرات قابل اجراست لازم دیده که توضیحاتی در مفهوم لغوی و اصطلاحی آن آورده شود، تعزیر در مفهوم عبارت است از تادیب کمتر از حد، سیاست و عقوبت، دشوار کردن، عقوبت کردن، نکوهیدن، ملامت کردن، نکوهش کردن و تادیب کردن. (جمالو، ۱۳۹۲، ۷) و در اصطلاح عبارت است از قواعدی که مورد تأیید جامعه است و سعی در حمایت از جامعه دارد که توسط قوهی مقننه وضع و توسط قوهی قضائیه اجرا خواهد شد. تعزیر مجازاتی است که در شرع حد آن مشخص نشده است و به اصطلاح مادون از حد شرعی است، این مجازات مقدار مشخصی در شرع نداشته و در فقه آن کیفری است که بر حسب صلاحیت قاضی و بر حسب شرایط خاص اعطا خواهد شد.

گفتار دوم: تقلیل مجازات در ق.م.ا. ۱۳۹۲:

تقلیل مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده اختصاصی ندارد بلکه در بند (الف) و بند (ت) ماده ۳۷ همان قانون که مربوط به تخفیف مجازات می‌باشد به انواع تخفیف که همانا تقلیل زیرمجموعه آن می‌باشد اشاره شده است.

۱- بررسی لغوی و اصطلاحی تقلیل مجازات

از لحاظ لغوی میتوان تقلیل را عبارت از کاستن، کاهیدن و کم کردن دانست، و از لحاظ اصطلاحی آن کاهش مجازاتی را گویند که به صورت قانونی به یک جرم تعلق می‌گیرد و بدون اینکه تغییری در ماهیت آن داده شود قاضی دادگاه را مجاز می‌کند که میزان مجازات را بدون تغییر دادن نوع مجازات از حداقل تعیین شده در قانون کمتر نماید.

^۱ - ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند، الف) تقلیل حبس به میزتن یک تا سه درجه، ب) تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار، پ) تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا ده سال، ت) تقلیل سباز مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.

گفتار سوم: تبدیل مجازات در ق.م. ۱۳۹۲

درست مانند تقلیل مجازات، تبدیل مجازات نیز ماده قانونی خاصی نداشته است و این نظام در دل ماده ۳۷ و در بند (ب) و بند (پ) آورده شده است.

۱- بررسی لغوی و اصطلاحی تبدیل مجازات

ازلحاظ لغوی تبدیل مجازات را میتوان عبارت از بدل کردن و جایگزین کردن دانست و ازلحاظ اصطلاحی "آن فرایندی را می‌گویند که ماهیت مجازات در آن تغییر می‌کند و مجازات اصلی پیش بینی شده در قانون به مجازات مناسب‌تری که در نتیجه‌ی آن مساعدتی در حق مجرم به عمل می‌آید بدل می‌گردد، مانند اینکه مجازات مصادره اموال به مجازات جزای نقدی تبدیل شود." (علی حسینی، ۱۳۹۲، ۷)، لذا میتوان گفت تبدیل مجازات آن مساعدتی است که قانون در حق شخص مجرم روا داشته و باعث می‌شود مجازاتش به آن مجازاتی که قانونگذار بر حسب شرایطش فکر می‌کند برایش بهتر است تبدیل گردد.

پیدایش تخفیف مجازات در حقوق کشور الجزایر

چنان که واضح است بسیاری از حقوقدانان و شارحین حقوقی کشور الجزایر اتفاق نظر دارند که اولین پیدایش نظام کیفیات مخففه در اصل بازمی‌گردد به قانونگذار فرانسوی که در قانون مجازات صادره در سال ۱۸۱۰ برای نخستین بار این موضوع را مطرح نموده است، در این قانون برخی از کیفیات مخففه را آورده شده که شامل جنحه‌هایی می‌شد که ضرر ناشی از آن‌ها بیشتر از بیست و پنج فرانک نبود، و دیگر انواع جرائم، یعنی جنایات و مخالفت با قانون را شامل نمی‌شد. لاین قانون سپس در قانون مجازات صادره در ۲۵ ژوئن ۱۸۲۴ بدین گونه کامل‌تر شد که این نظام را به تمامی جنحه‌ها و نیز جنایات سرایت داد و در مرحله بعد قانون ۱۸۳۲/۴/۲۸ صادر شد که مقرر داشت قضات می‌توانند وجود کیفیات مخففه را به نفع مرتکب تمامی جرائم مذکور در قانون مجازات تشخیص و تثبیت نمایند، پس از آن دستوری در ۴ ژوئن ۱۹۶۰ صادر شد که در چگونگی تطبیق کیفیات مخففه در خصوص تنها برخی جنایات بازبینی نمود (محمد، ۲۰۱۷-۲۰۱۸، ۵۶) پس از قانون مذکور، قوانین مختلفی وضع شد که این نظام را تحت تأثیر دو اندیشه تغییر داد: اندیشه موازنه میان تحقق عدالت که مقتضی لحاظ عذر برای مجرم بود و اندیشه منفعت‌گرایی اجتماعی که مقتضی حمایت از ثبات جامعه در برابر آسیب‌های ناشی از جرم بود، چنان که مشاهده می‌گردد این تحقیق در خصوص تخفیف مجازات در حقوق الجزایر می‌باشد اما هیچ توضیحی جز توضیحات در خصوص قانون فرانسه مشاهده نمی‌گردد، علت بسیار ساده می‌باشد، کشور الجزایر سالهای بسیار زیادی را مستعمره فرانسه بوده است و در عمل نیز هیچ قانون خودکفای جزایی نداشته و از قانون فرانسه پیروی می‌کرده است، قانون مجازات الجزایر که با عنوان (قانون العقوبات الجزائری) شناخته می‌شود در سال ۱۹۶۶ میلادی صادر شده و پس از آن در هشت مرتبه بعدی تعدیل شده است، لذا بسیار واضح است که علت سخن راندن از قانون فرانسه و مثال آوری از آن در جایگاه حقوق کشور الجزایر چه می‌باشد.

برخورداری مجرم از تخفیف مجازات در حقوق الجزایر

هر کشوری برای برخوردار شدن مجرمینش از نظام تخفیف مجازات دارای نظام‌مندی خاصی می‌باشد که در ادامه به بررسی این موارد در حقوق الجزایر خواهیم پرداخت.

گفتار اول: اقتضای استفاده از کیفیات مخففه قضایی

اخذ به کیفیات مخففه مقتضی آن است که مجازات کیفری از حیث نوع و مقدار و روش اجرای آن، با شخصیت محکوم علیه متناسب باشد (که ازین حیث قانونگذار الجزائری بسیار مشابه با ایران بوده و می‌توان ریشه برادر بودن دو قانون از یک قانون مادر فرانسه را به وضوح در آن مشاهده کرد) لذا بر عهده قاضی است که هنگام وضع مجازات، شرایط جرم و شخصیت مجرم را در نظر گیرد. از این روی مجازات به ناچار باید حس عدالت‌خواهی مردم را ارضا کند، بدین نحو که از یک سو با بزرگی جرم تناسب داشته باشد و از سوی دیگر برای خود مجرم بازدارنده باشد تا مجدداً مرتکب جرم نگردد و شروط هر جرمی را نیز جداگانه در نظر گیرد

بنابراین در استفاده از کیفیات مخففه دو فاکتور ارضای حس عدالت طلبی مردم و نیز تناسب مجازات با جرم از اهمیت والایی برخوردارند.

۱- بررسی تاثیر شخصیت مجرم در تخفیف مجازات

مطابق با آراء فلسفی که مبنای قانون کیفری الجزایر قرار گرفته‌اند، مجرم تحت تأثیر عوامل متعددی مرتکب جرم می‌گردد، برخی از آن‌ها با سرشت روانی و عقلی وی مرتبط است و برخی با محیط زندگی و اجتماعی وی، و این عوامل از شخصی تا شخص دیگر تفاوت دارد، و از آنجا که مجرم بوجود آورنده جرم است و مطابق این آراء فلسفی، شخصیت وی در مرکز اهمیت قرار دارد، پس به مقتضای عدالت، به هنگام تعیین مجازات باید این عوامل در نظر گرفته شوند.

از همین جا مشخص می‌گردد که تفسیر جرم و رفتار مجرمانه، درست مانند قانون داخلی علاوه بر اوضاع روانی مجرم با شرایط اجتماعی و اقتصادی وی که در آن زندگی می‌کند گره خورده است و لذا قانون کیفری الجزایر دیدگاهش به مجازات را تغییر داده و آن را با روح عدالت سازگار نموده، به اینصورت که نظر کردن در شرایط و اوضاعی که جرم یا مجرم را دربر می‌گیرد، ضروری می‌داند و بر همین مبنا در مجازات تشدید یا تخفیف قائل می‌شود، به عبارتی در نظام حقوق کیفری الجزایر تشدید یا تخفیف مجازات ارتباط کاملاً مستقیمی با اوضاع روانی و شرایط اجتماعی اقتصادی مجرم را دارد.

۲- مجرمین برخوردار از کیفیات مخففه قضایی:

کدام مجرمین از کیفیات قضایی برخوردارند؟ بدین معنی که آیا تمامی مجرمین با هر سن و جنسی، مبتدی باشند یا سابقه‌دار، اصلی باشند یا شریک، از این کیفیات برخوردار می‌گردند؟

مطابق نص ماده ۵۳ مکرر که در آن از اشخاص معنوی سخن به میان آورده است (بنظر می‌رسد که منظور از شخص معنوی تمامی اشخاصی می‌باشد که به نحوی در عملیات جرم حضور داشته و از آن مفهوم معنوی که در قانون داخلی مطرح باشد فاصله داشته باشد)، چراکه در توضیح آینده خواهیم دید که منظور تمامی مجرمین می‌باشد، در نهایت از متن ماده فهمیده می‌شود که تمامی مجرمین از کیفیات مخففه برخوردار می‌گردند، الجزائری باشند یا اجنبی، مبتدی یا سابه دار، بالغ یا قاصر، اصلی یا شریک جرم، بجز مواردی که قانون خلاف آن را تصریح کرده باشد، چراکه قانونگذار الجزائری در برخی جرائم استفاده مجرم از کیفیات مخففه را استثناء کرده است

واقعیت آن است که همگی در برابر قانون مساوی‌اند و در پیشگاه قضا یکسان تلقی می‌گردند، از این روی قانون با تمامی مجرمین یکسان برخورد می‌کند، پس تمامی اصناف مجرمین از کیفیات مخففه قضایی برخوردار می‌شوند، قاصر باشند یا رشید، فاعل اصلی باشند یا شریک، اجنبی باشند یا نه.

اکثر قوانین جزایی ذکر می‌کنند که کیفیات مخففه برای تمامی مرتکبین فعل مجرمانه قابل بهره‌مندی است نه مرتکبینی که الزاماً شهروند باشند. قانون مجازات الجزایر نیز می‌گوید هر مجرمی از کیفیات مخففه بهره‌مند می‌گردد، فرانسوی باشد یا اجنبی، بالغ باشد یا قاصر، مبتدی باشد یا از روی عادت، کما اینکه می‌تواند علاوه بر محکوم علیه حضوری شامل محکوم علیه غیابی نیز گردد. بنظر می‌رسد که مبحث تخفیف مجازات در قانون الجزایر کمی بیشتر از قانون داخلی پیش رفته و حتی اشخاص اجنبی (یعنی غیر جزائری را نیز مشمول تخفیف قانون خود دانسته) که این موضوع بنظر نگارنده از جهاتی باعث برتر شدن به نسبت قانون داخلی می‌گردد چراکه نص قانون داخلی فارغ از این مسئله می‌باشد.

این موضوع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بصورت صریح ذکر نشده است و تنها به بیان شریط خفیف برای مجرمینی که مرتکب جرمی شده‌اند که مشمول تخفیف مجازات است پرداخته است، اما در رویه‌ی عملی دادگاه‌ها و به سبب برابر بودن تمام انسان‌ها در برابر قانون و همچنین حفظ حقوق مجرمین این رویه عملاً در حال اجرا شدن است و تفاوتی نمی‌کند مرتکب ایرانی باشد یا خیر.

چنانچه این مجرم مشمول تخفیف باشد، تخفیف برای وی اعمال می‌گردد.

تعیین کیفیات مخففه در حالت تعدد جرم

در این بخش به بررسی آن حالتی از جرم خواهیم پرداخت که مجرم دارای جرائم متعدد بوده و شمولیت یا عدم شمول تخفیف مجازات برایش مطرح است.

گفتار اول: قواعد مختلف تعدد جرم در تلافی با کیفیات مخففه قضایی

اکثر قوانین جزایی بر اعمال شدیدترین مجازات در حالت تعدد جرم اتفاق دارند، اما اگر همراه با کیفیات مخففه باشد قاضی باید میان دو قاعده جمع نماید:

۱- قاعده عدم تعدد مجازات‌ها:

در حالت تعدد جرم بر قاضی لازم است حکم به اشد مجازات نماید و در نتیجه مجازات اشد، دیگر مجازات‌ها را قطع می‌کند. در اینصورت مجرم به بیش از یک مجازات که همان اشد مجازات است، محکوم نمی‌گردد.

۲- قاعده اختیار قاضی در تخفیف مجازات

در این قاعده اگر قاضی رأی به برخورداری مجرم از کیفیات مخففه دهد، تخفیف مجازات باید بر مجازات اشد اعمال گردد. اما در قانون الجزایر، قانون مجازات به وضوح از طریق نصوص قانونی مربوطه، این حالت را شامل شده است. نص ماده ۳۲ از آن می‌گوید: (فعل واحدی که اوصاف متعددی را شامل است، باید متصف به اشد آن‌ها شود).

و نص ماده ۳۴ از قانون مجازات می‌گوید: (در صورتی که چندین جنایت یا جنحه با هم به یک دادگاه ارجاع شوند، حکم به یک مجازات سالب آزادی می‌گردد و جایز نیست مدت آن از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای شدیدترین آن جرائم بیشتر باشد). لذا علیرغم اینکه خود ماده و توضیحات مختص به آن کاملاً گویا می‌باشد بیان می‌شود که در پرونده‌ای که تعدد جرم دارد اگر قاضی رأی به برخورداری مجرم از کیفیات مخففه بدهد ابتدا مجازات‌ها تشدید شده و سپس، تخفیف بر روی حداکثر مجازات مقرر برای جرم اشد اعمال می‌گردد.

بررسی تطبیقی مواد راجع به تخفیف مجازات در قانون مجازات دو کشور

در این بخش به بررسی مواد قانونی تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و نیز قانون العقوبات الجزائری پرداخته و در صورت وجود شباهت‌ها و تفاوت‌ها آن را بیان و نیز قانون برتر را مشخص خواهیم نمود.

گفتار اول: تخفیف مجازات در حقوق دو کشور

۱- مطابق ماده ۳۷ از قانون مجازات اسلامی ایران:

در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف) تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب) تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ) تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت) تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.

۱- ماده ۳۲: يجب أن يوصف الفعل الواحد الذي يحتمل عدة أوصاف بالوصف الأشد من بينها.

۲- ماده ۳۴: في حالة تعدد جنایات أو جنح محالة معاً إلى محكمة واحدة فإنه يقضى بعقوبة واحدة سالبة للحرية ولا يجوز أن تجاوز مدتها الحد الأقصى للعقوبة المقررة قانوناً للجريمة الأشد.

با تدقیق در متن ماده ۳۸ متوجه می‌شویم که جهات تخفیف که قانونگذار ارائه نموده است بسیار شامل می‌باشد، برای مثال در بند اول رضایت شخص شاکی و مدعی خصوصی را مدنظر قرار داده است، در بندهای بعدی از اوضاع و احوال خاص جرم و مجرم می‌پردازد که گویای در راس قرار دادن مجرم و شخصیتش در هنگام مجازات می‌دهد، اقدامات پس از وقوع جرم، میزان مشارکت مجرم و شریک و... سخن به میان آورده است، به عبارتی سه عنصر مادی و معنوی و عناصر پیش و پس از جرم را لحاظ نموده است که خود بیان از دقت قانونگذار در هنگام قانونگذاری دارد که به همه شرایط توجه نموده است، از جهتی با تدقیق در حقوق داخلی متوجه می‌شویم که تخفیف مجازات در حقوق داخلی دارای اقسام مختلفی چون نظام تقلیل و تبدیل مجازات بوده ایت که جایگاه خالی این دو را در حقوق خارجی به وضوح می‌توان مشاهده نمود.

آنچه از این ماده استنتاج می‌گردد این است که با وجود اختیار دادگاه در اعمال تخفیف مجازات، میزان تخفیف نیز در قانون مصرح شده و دادگاه نمی‌تواند از آن حدود مشخص شده در قانون کمتر یا بیشتر رفته و تخفیف سلیقه ای اعمال نماید، به عبارتی مصادیق ذکر شده در ماده ۳۸ تمثیلی نبوده‌اند، اما قاضی می‌تواند در جهت مساعدت مجرم از این مصادیق تفسیر موسع به عمل آورد، قاضی لابد از ذکر اسباب تخفیف در حکم خود می‌باشد.

اعمال تخفیف مجازات در حقوق ایران و الجزایر:

قدرت اعمال تخفیف بنا به سیاست قوانین کیفری دولت‌ها در قوانین جزایی کم و زیاد می‌شود، در برخی کشورها این قدرت به صورت تام، در برخی به صورت مقید و در برخی راهی میان این دو می‌باشد.

در حقوق ایران و در ماده ۳۷ از قانون مجازات اسلامی به صراحت آمده که اعطای تخفیف مجازات تنها در تعزیرات و با دادگاه است، دادگاه اعم از دادگاه عمومی و انقلاب و ویژه روحانیت و ... و دادگاه تجدید نظر نیز در صورتی که حکم بدوی نقض شود میتواند مجازاتی غیر از مجازات قبلی تعیین نماید یا تخفیف دهد در نتیجه با توجه به صراحتی که این ماده در تعیین مقام تخفیف دهنده دارد دادسرا حق استفاده از این ماده را ندارد، دادگاه نیز تنها می‌تواند از اسباب ذکر شده در ماده ۳۸ مجازات مجرم را تخفیف دهد به عبارتی قدرت قاضی در حقوق داخلی مقید بوده است

در حقوق الجزایر اما مجازات خاصی جهت شمولیت از تخفیف بیان نشده و علی‌الظاهر تمام انواع جنایات، جنحه و ... می‌باشد و قدرت قاضی، قدرت نسبی در تعیین کیفیات مخففه می‌باشد، که راهی میانه‌ی قدرت مطلق و قدرت مقید است و قانونگذاری الجزائری این روش را انتخاب کرده که به اینصورت که در اعمال معاذیر مخففه قدرت وی مقید بوده و حق ندارد که به بیش یل کمتر از آن‌ها حکم دهد اما در معاذیر مخففه وی تقریباً قدرت نسبی و چه بسا مطلق دارد که این کیفیات را برای وی قرار دهد. در مقام مقایسه ی تطبیقی این دو میتوان موارد فراوانی را مشاهده نمود، ابتدا اینکه قانون ایران بصورت صریح اعطای تخفیف مجازات را در اختیار تمام دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر (تحت شرایطی) و ... قرار داده است و دادسرا را در این موضوع کاملاً فاقد صلاحیت دانسته، در حالیکه قانونگذار الجزایر علیرغم داشتن دادگاه‌های مختلف بدوی و تجدید نظر و ... از این مورد در هیچ کجا نام نبرده است و این امر را میتوان به چند دلیل دانست: اولاً حالتی که الجزایر از ذکر این موضوع قصور کرده باشد و دوماً احتمال دوم این بوده است که به دلیل گسترده بودن عوامل تخفیف و اینکه هر کدام از آن‌ها در حوزه خاصی قرار میگیرند لذا این موضوع اینقدر بدیهی باشد که نیازی به ذکر صریح آن ندیده باشد. لذا علی‌الظاهر قانون ایران در این مورد دقیق‌تر عمل نموده و برتر از قانون الجزایر ظاهر شده است.

مورد دوم در خصوص اعمال تخفیف در مجازات هاست، ایران این اعمال را تنها و تنها در تعزیرات ممکن ساخته است چراکه احکام حدود و قصاص بصورت صریح از قرآن گرفته شده است که نمیتوان آن‌ها را تا ابد تغییر داد به عبارتی مصادیق آن‌ها محدود می‌باشد این در حالی است که در حقوق الجزایر تعداد مصادیق در چند معاذیر قانونی کیفیات مخففه ذکر شده‌اند و غیر از چند مورد محدود و خاص اعمال تخفیف مجازات برای تمامی جرایم وجود دارد و ازین لحاظ (از لحاظ ظاهری) میتوان بیان داشت که قانون الجزایر مشمول‌تر عمل کرده است چراکه ما در حال حاضر به فلسفه بسیاری از احکام قرآن آگاه نبوده ایم و عدم اعمال تخفیف در

حدود و قصاص را می‌توان از لحاظ ظاهری تفسیر به نفع متهم ندانست و قانون الجزایر را مشمول‌تر و برتر دانست. (در ظاهر) مورد بعدی را میتوان به ذکر جهات تخفیف در حکم دانست به این صورت که آن را شامل اختیارات تام قاضی دانست که در حقوق ایران قاضی ملزم به ذکر جهات تخفیف بوده اما در حقوق الجزایر در کیفیات مخففه هیچ الزامی برای ذکر مورد تخفیف در حکم خود نداشته اما در معاذیر مخففه الزام به ذکر این موارد بصورت صریح در حکم خود را دارد و از این لحاظ با توجه به صراحت قانون ایران بر ذکر در تمامی موارد می‌توان گفت سیستم ایران قویتر عمل نموده است به این صورت که از طریق کاهش استرس مجرمین در چگونگی اعمال نظر قضات به نفع متهم کار کرده است و از خودکامگی قضات و سرگشتگی مجرمین جلوگیری نموده است.

گفتار سوم: بررسی عذر صغر سن در قانون دو کشور

۱_ در حقوق ایران

بنا بر ذکر صریح ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ سن بلوغ برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری است. این افراد نابالغ معرفی شده و اگر مرتکب جرمی گردند برای آنان اقدامات تامینی و تربیتی حکم می‌شود، و بر اساس مواد ۸۸ الی ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سنگین‌ترین مجازاتی که برای وی قرار داده می‌شود تعزیر درجه ۷ و ۸ بوده و در جرائم حدود و قصاص اثبات رشد آن‌ها را جهت تعیین مجازات شرط قرار داده است و حتی در ماده ۹۵ بیان نموده است که محکومیت‌های کیفری اطفال فاقد آثار کیفری است که بیانگر اهمیت کامل حقوق داخلی به مسئله صغر سن می‌باشد، در حقوق ایران بر حسب اینکه سن مجرمین بین ۹ الی ۱۵ سال تمام قمری باشد احکام صادر شده برای آن‌ها بیشتر وجهه اخلاقی اجتماعی داشته تا وجهه جزایی و تنها در صورتی که سن آن‌ها بین ۱۲ تا ۱۵ سال باشد، در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج از سه ماه تا یک سال مشمول مجازاتند و در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند، سن قانونی شمولیت مجازات در حقوق داخلی ۱۸ سال تمام قمری می‌باشد.

۲_ در حقوق الجزایر

در حقوق الجزایر سن شمولیت از مجازات از ۱۲ سالگی بوده، و طفلی که مرتکب جرم شده و بین ۱۲ الی ۱۵ سال سن دارد می‌تواند مشمول مجازات‌های عادی حبس و ... همراه با تخفیف شود، و زمانی که به ۱۵ سالگی رسید می‌توان وی را مجازات نمود حتی بدون اعمال تخفیف مجازات! سن شروع به مجازات‌های اصلی برای آنان ۱۷ سالگی می‌باشد، و در این خصوص هیچ اشاره‌ای به دختر یا پس بودن مرتکبین نشده است، در حقوق الجزایر در خصوص صغر سن آورده شده است که بدلیل اینکه طفل به سن رشد نرسیده و در سطح پایین تری قرار دار دنوع مجازات باید با سطح عقلی وی تناسب داشته و همچنین نسبت جرم به طفل و نسبتش به اجتماع امری خطیر است، به این معنا که درصد ضرری که طفل به جامعه می‌رساند به نسبت درصد ضرری که اجتماع با مجازات وی به او می‌رساند امری خطیر و غیرقابل قیاس است و لحاظ نمودن مجازات برای وی باید این موضوع را در نظر داشت که طفل مجازات نمی‌خواهد بلکه مداوا می‌خواهد، اما با توجه به مواد متوجه خواهیم شد که عملاً تناقض در سخن و عمل وجود دارد.

لذا میتوان به این نتیجه گیری رسید که در هر دو قانون به این اجماع رسیده اند که طفل مداوا می‌خواهد و نه مجازات اما با قدرت می‌توان بیان نمود که حقوق داخلی به دلایل زیر بسیار قویتر و بهتر عمل نموده است:

- ۱- قرار دادن مجازات‌های تامینی و تربیتی بسیار زیادی به نسبت مجازات‌های دیگر
- ۲- قرار دادن سن ۱۸ سالگی جهت مجازات‌های کامل بر خلاف الجزایر که این سن ۱۷ سالگی می‌باشد
- ۳- اهمیت دادن به مسئله سن رشد برخلاف حقوق الجزایر که هیچ‌جایی به این موضوع تصریح نکرده است.
- ۴- تصریح به اینکه این محکومیت‌ها فاقد آثار کیفری هستند، در حالی که در حقوق الجزایر این مورد ذکر نشده است.

۵- قرار دادن تخفیف مجازات در تمام مجازات‌های تعزیری اطفال در تمام سنین، در حالی که در حقوق الجزایر از سن ۱۲ سالگی به بعد احتمال عدم شمولیت تخفیف مجازات وجود دارد.

۶- تنها موردی که حقوق الجزایر در آن قویتر عمل نموده است همانا مسئله سن شروع به مجازات است که در حقوق ایران ۹ سالگی دختران مجوزی برای مجازات می‌باشد که همانا جنم این موضوع صریحا در قرآن ذکر شده است، هر انتقادی نسبت به آن تحدی بوده و از ادامه سخن خودداری خواهیم نمود.

گفتار چهارم: بررسی عذر دفاع مشروع در قانون مجازات دو کشور

دفاع مشروع در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اینگونه تعریف شده است:

هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب-الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

(الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد

(ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد

(پ) خطر تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد

(ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود.

و از موارد مهم در تبصره این ماده می‌توان اشاره نمود به اینکه هر گاه اصل دفاع مشروع محرز باشد ولی شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است و دوم اینکه در دفاع مشروع دیه ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.

اما در قانون مجازات الجزایری تجاوز از دفاع مشروع در ماده ۳ و ۴۰ و با شرایطی تقریباً مشابه به قوق داخلی آمده به استثناء چند مورد که کیفیات دفاع مشروع را در بر دارد، همچنین بر اساس مفهوم م ۲۷۸^۴، بیان شده است و بر قاضی واجب است که در صورت وجود عذر مخفف قانونی همراه که با آن حال تحقق یافته مجازات را به نحو معین شده در م. ۲۸۳^۵ ق.م. الجزایر تخفیف دهد، دفاع مشروع یعنی دفع تجاوز مجرمانه‌ای که در معرض وقوع است برای دفع خطر از مدافع یا مال وی یا جان و مال دیگری و تجاوز این دفاع زمانی رخ می‌دهد که میان بزرگی فعل دفاع و خطری که شخص را تهدید میکند، تناسب وجود نداشته باشد. سه حالت در این جا بوجود می‌آید:

حالت اول: دفاع عامدانه و از روی ادراک و تمییز باشد در نتیجه مسؤلیت کیفری عمدی دارد که به نظر نگارنده این مورد اصلاً مشمول عنوان دفاع مشروع نمی‌شود.

حالت دوم: دفاع ناشی از اشتباه در محاسبه‌ی بزرگی فعل دفاع و تجاوز از حدود دفاع باشد در نتیجه مسؤلیت کیفری غیرعمدی دارد که بنظر اینجانب این مورد جایگاهی در دفاع مشروط نداشته و مشمول اضطرار می‌باشد.

^۱ - یستفید مرتکب جرائم القتل والجرح والضرب من الأعدار إذا ارتكبها لدفع تسلق أو ثقب أسوار أو حیطان أو تحطيم مداخل المنازل أو الأماكن المسكونة أو ملحقاتها إذا حدث ذلك أثناء النهار.

وإذا حدث ذلك أثناء الليل فتطبق أحكام الفقرة الأولى من المادة ۴۰.

۲- المادة ۲۸۳: إذا ثبت قيام العذر فتخفف العقوبة على الوجه الكتي: (۱) الحبس من سنة إلى خمس سنوات إذا تعلق الأمر بجناية عقوبتها الإعدام أو السجن المؤبد. (۲) الحبس من ستة أشهر إلى سنتين إذا تعلق الأمر بأية جناية أخرى. (۳) الحبس من شهر إلى ثلاثة أشهر إذا تعلق الأمر بجنحة، وفي الحالات المنصوص عليها في الفقرتين ۱ و ۲ من هذه المادة يجوز أن يحكم أيضا على الجاني بالمنع من الإقامة من خمس سنوات على الأقل إلى عشر سنوات على الأكثر.

حالت سوم: دفاع فارغ از عمد و خطا بوده و ناشی از اضطراب و عدم تسلط به اراده بوده در نتیجه عذر مخفف مجازات است که میتوان با اندکی مسامحه آن را دفاع مشروع دانست چراکه این تعریف بسیار مختصر بوده است. در این مورد بیان می‌گردد که دو قانون تقریباً رویه مشابهی را داشته‌اند با این تفاوت که قانون ایران بسیار جامع‌تر و معقولانه‌تر عمل نموده است چراکه اولاً مصادیق بیشتری را ذکر نموده است از جمله حق دفاع از عرض و ناموس دیگری که حقوق الجزایر از این موضوع فارغ است، ثانیاً شرط تناسب دفاع با وسیله دفاع را مطرح نموده است در حالیکه در حقوق داخلی از رعایت مراحل دفاع سخن رانده شده است.

درست است که ما باید در جهت حقوق مجرمین قدم برداریم اما واقعیت این است که اگر در مسئله دفاع مشروع سهولت به خرج دهیم چه بسا جرائمی که انجام گیرد و همگی به نام دفاع مشروع رفع و رجوع گردند، لذا بنظر شخصی نگارنده سخت‌گیری که در مبحث دفاع مشروع در حقوق ایران مطرح شده است بسیار جاز و حتی لازم بوده و قانون مجازات اسلامی ایران بسیار شامل‌تر از قانون العقوبات الجزائری عمل نموده است، در واقع با اعمال این شروط در عین اینکه در قسمت ابتدایی این متن مصادیقی را که می‌تواند مشمول تخفیف قرار دهد اضافه‌تر از الجزایر بیان نموده است اما با قرار دادن شروط بعدی از جرم‌زایی و بیم‌تجری و سفک دماء مسلمین جلوگیری نموده است.

گفتار پنجم: بررسی تطبیقی اضطرابات عقلی و روانی در حقوق دو کشور

عنوان اضطرابات عقلی و روانی از جمله مواردی است که در قانون ایران از آن یاد نشده است جز در عنصر معنوی جرم که در قانون ما با تکیه بر نوع مجازات که همانا توجه به عنصر مادی جرم و نه معنوی آن بوده است قابل اثبات است، که این عنصر به خودی خود مشمول تخفیف مجازات نخواهد شد و کاملاً متکی و وابسته به عنصر مادی آن یعنی جرم واقع شده می‌باشد، در حقوق داخلی بحث اضطرابات عقلی و روانی را می‌توان با چند مبحث هم‌تراز نمود، از جمله مبحث اکراه، اضطراب، و نیز بند (پ) ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی.

واقعیت این است که حقوق داخلی از این موضوع تقریباً خالی بوده به این معنا که نص صریحی در این خصوص داشته و این ضعف حقوق داخلی را در برابر همتای الجزائری او می‌رساند، تنها در بند (پ) ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره ای نموده است که ممکن است بتوان درصد ضعیفی از ارتباط را با این مبحث در آن ایجاد نمود که همانا رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده است لذا در ظاهر حقوق الجزائری یک‌تاز میدان می‌باشد، به عبارتی اضطرابات عقلی و روانی نیز در صورتی که منجر به ضعف تمیز یا کاهش هشیاری گردد عذر مخففه در نظر گرفته است.

اما این اضطرابات در ماده ۵۳ قانون العقوبات الجزائری صراحتاً به عنوان عامل مخففه نام برده شده‌اند، لذا می‌توان بر حسب اصل تفسیر به نفع متهم و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها اعلام داشت که در این مورد قانون الجزایر با توجه کردن به این حالات درونی و تصریح به آن‌ها بهتر از ایران عمل کرده است.

گفتار ششم: اثر کیفیات مخففه بر مجازات‌های تبعی و تکمیلی

۱) مجازات تکمیلی در حقوق داخلی

در تعریف مجازات‌های تکمیلی میتوان بیان داشت که مجازات تکمیلی، مجازاتی است که اگرچه به عنوان مجازات اصلی ذکر نشده اما به عنوان یکی از ابزارهای تعیین مجازات در اختیار قاضی قرار داده شده تا در صورت نیاز برای تکمیل مجازات اصلی برای مجرم وضع شود

۲) مجازات‌های تبعی در حقوق داخلی

۱- ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: بند پ: اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

مجازات تبعی شامل یک سری مجازات‌ها و محرومیت‌های اجتماعی است که به طور مشخص در قانون تعیین شده و به تبع صدور حکم به مجازات اصلی و به نسبت مجازات اصلی برای مدت مشخصی شامل حال محکوم می‌شود

۲- مجازات‌های تکمیلی^۷ در حقوق الجزایر

این مجازات‌ها در ماده ۹ قانون العقوبات الجزائری بیان شده‌اند، و مجازات‌هایی هستند که به مقتضای قانون بر مجازات‌های اصلی مترتب می‌گردند، که به مجازات‌های تکمیلی اختیاری و اجباری تقسیم می‌شوند، در مجازات‌های تکمیلی اختیاری قاضی مخیر است به تخفیف حکم نماید و به عبارتی تخفیف مجازات‌ها کاملاً وابسته به سلیقه و حکم قاضی دادگاه است و یا اینکه آن را ساقط نماید اگر بدان حکم نمود و شمول مجرم از تخفیف را ساقط نمود دیگر نمی‌تواند آن را تخفیف دهد.

مجازات‌های تکمیلی اجباری که بر عهده ی قاضی است که به آن‌ها حکم نماید و نمی‌تواند آن‌ها را از حیث مقدار و مدت کاهش دهد فلذا مشمول تخفیف نمی‌گردند.

ب) مجازات‌های تبعی^۸

این مجازات‌ها در ماده ۶ و ۷ و ۸ قانون العقوبات الجزائری وجود داشتند که با تدوین قانون جدید در سال ۲۰۰۶ بدون هیچ توضیح خاصی بصورت کلی ملغی گشتند لذا هیچ جایگاهی برای مقایسه تطبیقی این دو وجود ندارد.

لذا میتوان بیان داشت: برای تخفیف مجازات در مجازات‌های تکمیلی در قانون داخلی بر حسب نص صریح قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۴ پس از گذشت نصف دوران محکومیت دادگاه می‌تواند (به این معنی که مختار است) به وسیله قاضی اجرای احکام مجازات را تخفیف دهد که به عبارتی تنها سد در اعمال تخفیف، گذراندن نصف دوران محکومیت است و لاغیر، در حالی که تخفیف مجازات در مجازات‌های تکمیلی در حقوق الجزایر چنانچه ذکر گردید دو نوع می‌باشند که تنها مجازات‌های تکمیلی اختیاری را می‌توان تخفیف داد آن هم در صورتی که نظر قاضی بر این موضوع باشد، به عبارتی کاملاً به نظر قاضی واگذار شده است درست برخلاف حقوق داخلی که می‌توان آن را ضمنی برای حقوق خارجی دانست چراکه بیم ایجاد خودکامگی را در قضات،

^۱ - الفصل الثالث العقوبات التكميلية: المادة ۹: (القانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ في ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶)

العقوبات التكميلية هي: ۱- الحجر القانوني، ۲- الحرمان من ممارسة الحقوق الوطنية والمدنية والعائلية، ۳- تحديد الإقامة، ۴- المنع من الإقامة، ۵- المصادرة الجزئية للأموال، ۶- المنع المؤقت من ممارسة مهنة أو نشاط، ۷- إغلاق المؤسسة، ۸- الإقصاء من الصفقات العمومية، ۹- الحظر من إصدار الشيكات و/أو استعمال بطاقات الدفع، ۱۰- تعليق أو سحب رخصة السياقة أو إلغاؤها مع المنع من استصدار رخصة جديدة، ۱۱- سحب جواز السفر، ۱۲- نشر أو تعليق حكم أو قرار الإدانة.

المادة ۹ مكرر: (أضيفت بالقانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ في ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶)

في حالة الحكم بعقوبة جنائية، تأمر المحكمة وجوباً بالحجر القانوني الذي يتمثل في حرمان المحكوم عليه من ممارسة حقوقه المالية أثناء تنفيذ العقوبة الأصلية، تتم إدارة أمواله طبقاً للإجراءات المقررة في حالة الحجر القضائي.

المادة ۹ مكرر ۱: (أضيفت بالقانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ في ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶): يتمثل الحرمان من ممارسة الحقوق الوطنية والمدنية والعائلية في:

۱- العزل أو الإقصاء من جميع الوظائف والمناصب العمومية التي لها علاقة بالجريمة، ۲- الحرمان من حق الانتخاب أو الترشح ومن حمل أي وسام، ۳- عدم الأهلية لأن يكون مساعداً محلفاً، أو خبيراً، أو شاهداً على أي عقد، أو شاهداً أمام القضاء إلا على سبيل الاستدلال، ۴- الحرمان من الحق في حمل الأسلحة، وفي التدريس، وفي إدارة مدرسة أو الخدمة في مؤسسة للتعليم بوصفه أستاذاً أو مدرساً أو مراقباً، ۵- عدم الأهلية لأن يكون وصياً أو قیماً، ۶- سقوط حقوق الولاية كلها أو بعضها.

في حالة الحكم بعقوبة جنائية، يجب على القاضي أن يأمر بالحرمان من حق أو أكثر من الحقوق المنصوص عليها أعلاه لمدة أقصاها عشر (۱۰) سنوات، تسرى من يوم انقضاء العقوبة الأصلية أو الإفراج عن المحكوم عليه.

۱- الفصل الثاني العقوبات التبعية: المادة ۶: (ملغاً بالقانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ في ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶). المادة ۷: (ملغاً بالقانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ في ۲۰

ديسمبر ۲۰۰۶). المادة ۸: (ملغاً بالقانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ في ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶).

ستم در حق مجرمین، اعمال سلیقه‌های شخصی قضات، در معرض خطا قرار دادن قضات ایجاد می‌کند، برای مثال رشوه‌گیری جهت اعمال تخفیف مجازات.

لذا در این خصوص حقوق داخلی تمام قد به نفع مجرمین کار کرده و بسیار بسیار شامل‌تر و بهتر از نسخه خارجی خود می‌باشد. اما در خصوص مجازات‌های تبعی در حقوق داخلی عفو عمومی از طریق مجلس تنها راه تخفیف مجازات می‌باشد که به هر حال به نوعی کمک در حق مجرمین می‌باشد در حالیکه در تدوین جدید قانون العقوبات الجزائی مصوب ۲۰۰۶ بدون هیچ دلیل بصورت کلی مجازات‌های تبعی از قانون لغو گشتند که بنظر نگارنده بی‌اهمیتی قانونگذار به مجرم و اجتماع را می‌رساند چراکه این مجازات‌های تبعی را در وضعی برای مجرم قرار می‌دهند که او جرمی را مرتکب شده که باید علاوه بر مجازات جرم متحمل مجازات دیگری گردد و این به عبارتی تشدید مجازات اوست به این امید که از جرائم بعدی او جلوگیری نماید، که همانا اثر مجازات‌های تبعی بر روی جامعه نیز می‌باشد، برای مثال مجرمی که می‌تواند با اعمال مجازات‌های تبعی پی ببرد که چه مقدار حرکت بزرگ و غیر قابل بخششی را مرتکب شده است سعی می‌نماید که دیگر خود را در بستر جرم قرار ندهد حال اگر این مجازات‌ها برای وی اعمال نشوند نشانه‌ای از عدم اهمیت قانونگذار الجزائی را خواهد رساند. چراکه این موضوع ارتباط مستقیم با اجتماع و سلامت جامعه دارد، لذا در مقام قیاس و مقایسه تطبیقی حقوق داخلی بسیار بسیار شامل‌تر و بهتر از همتای خارجی خود عمل نموده است.

گفتار هفتم: بررسی تخفیف و تشدید مجازات در حقوق دو کشور

مختصراً عرض می‌گردد که در حقوق داخلی در صورت تجمع میان تخفیف و تشدید مجازات، کیفیات مشدده به اقتضای خود سبب تشدید مجازات و جهات مخففه نیز به اقتضای خود موجب تخفیف می‌شوند و تاثیر یکی مانع از تاثیر دیگری نمیشود. در حقوق الجزایر اما کیفیات مشدده^۱ زیر مجموعه کیفیات مخففه آمده‌اند، چنانکه میدانیم تخفیف مجازات در قانون العقوبات الجزائی در ماده ۵۳ آمده است که این ماده در هشت مرتبه ویرایش شده است یا به عبارتی ویرایشی شده است که در هر بار مورد جدیدی به آن اضافه گردیده است، تشدید مجازات از مواردی است که بصورت مستقل در قانون العقوبات الجزائی نیامده است بلکه در اولین ویرایش آن (۵۳ مکرر) از آن سخن به میان آورده شده است، این کیفیات اگر همراه با جرم یافت شوند باعث تشدید مجازات مقرر برای جرم ساده‌ی خالی از آن کیفیات می‌گردند به اینصورت که ابتدا حداکثر مجازات را به مقتضای کیفیات مشدده معین سازد و سپس تخفیف حاصل از کیفیات مخففه بر روی حداکثر از مجازات قانونی جدید اعمال میکند با بررسی ساده‌ی می‌توان به این نتیجه گیری رسید که هر دو قانون رویه‌ی یکسانی را برای کیفیات مشدده لحاظ کرده‌اند به اینصورت که کیفیات مشدده باعث تشدید مجازات خواهند شد و در مورد کیفیات مخففه قانون ایران به راحتی و سهولت مشخص کرده است که کیفیات مخففه نیز بر حسب اقتضای خود باعث تخفیف می‌شوند و در صورت تلاقی با یکدیگر این دو هیچ تاثیری روی همدیگر نمی‌گذارند اما در قانون الجزایر این موضوع اندکی پیچیده‌تر شده است بدین صورت که ابتدا حداکثر مجازات را به مقتضای کیفیات مشدده معین سازد و سپس تخفیف حاصل از کیفیات مخففه بر روی حداکثر از مجازات قانونی جدید اعمال میکند لذا در مقام نتیجه گیری می‌توان بیان داشت که هر دو قانون به یک در عمل روش متفاوتی داشته اما در نتیجه به یک نحو عمل کرده‌اند.

^۱ - المادة ۵۳ مکرر: (القانون رقم ۰۰۶-۲۳ المؤرخ فی ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶)

عندما تطبق العقوبات المشددة بفعل حالة العود، فإن التخفيف الناتج عن منح الظروف المخففة ينصب على الحدود القصوى الجديدة المقررة قانوناً. إذا كانت العقوبة الجديدة السالبة للحرية المقررة هي السجن المؤقت من خمس (۵) سنوات إلى عشرين (۲۰) سنة، فإن الحد الأدنى للعقوبة المخففة لا يجوز أن يقل عن ثلاث (۳) سنوات حبساً.

گفتار هشتم: بررسی اجتماع کیفیات مخففه در تعدد جرم و تکرار جرم

(۱) تعدد جرم

تعدد جرم مواد ۱۳۱ الی ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به خود اختصاص داده است در مورد تعدد جرم که منظور زیاد شدن تکرار موضوعی و در برگرفتن چندین چیز در یک موضوع می‌باشد اینگونه بیان کرده است، تبصره ۳ ماده ۱۳۴ به صراحت اشاره به امکان تخفیف در حدود قانونی در عین تشدید مجازات دارد به اینصورت که دادگاه مکلف است که در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات فاقد حداکثر و حداقل باشد تا نصف تقلیل دهد.

(۲) تکرار جرم:

تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۳۶ الی ۱۳۹ آمده است در حقوق داخلی تکرار جرم باعث تشدید کیفر مجرم است به علت ازدیاد تکرار مجدد جرم که حالت خطرناک به خود می‌گیرد در این مواد ذکر شده است که در صورت وجود جهات تخفیف میتوان تکرار جرم را مشمول تخفیف مجازات دانست، با تدقق در متن ماده ۱۳۹ متوجه می‌شویم که علت شمولیت مجرم مرتکب تکرار جرم از تخفیف مجازات به سبب تعزیری بودن جرم می‌باشد و الا جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال ابدأ مشمول این قاعده نمی‌گردند.

(۳) اجتماع کیفیات مخففه در حالت تعدد جرم در قانون العقوبات الجزایر:

تعدد جرم در قانون العقوبات الجزائری در ماده ۳۲^۱ الی ۳۸ آمده است، در این مورد اکثر قوانین جزایی بر اعمال شدید مجازات در حالت تعدد جرم اتفاق دارند اما اگر همراه با کیفیات مخففه باشد قاضی میان دو قاعده تفاوت قائل میشود، قاعده عدم تعدد مجازات‌ها که حکم به اشد مجازات می‌نماید و در نتیجه دیگر مجازات‌ها قطع میشود و مجرم به بیش از یک مجازات محکوم نمی‌گردد.

قاعده‌ی دوم اختیار قاضی در تخفیف مجازات است، یعنی اگر قاضی رأی به برخورداری مجرم از کیفیات مخففه دهد تخفیف مجازات بر مجازات اشد اعمال میگردد.

در حقوق الجزایر در صورت تعدد جرم حکم به اشد مجازات میدهد و مانند بالا عمل میکند.

(۴) اجتماع کیفیات مخففه با تکرار جرم در قانون العقوبات الجزائری:

^۱ - الفصل الثالث: تعدد الجرائم: لمادة ۳۲: يجب أن يوصف الفعل الواحد الذي يحتمل عدة أوصاف بالوصف الأشد من بينها.

المادة ۳۳: يعتبر تعددا في الجرائم أن ترتكب في وقت واحد أو في أوقات متعددة عدة جرائم لا يفصل بينها حكم نهائي.

المادة ۳۴: في حالة تعدد جنایات أو جنح محالة معا إلى محكمة واحدة فإنه يقضى بعقوبة واحدة سالبة للحرية ولا يجوز أن تجاوز مدتها الحد الأقصى للعقوبة المقررة قانونا للجريمة الأشد.

المادة ۳۵: إذا صدرت عدة أحكام سالبة للحرية بسبب تعدد المحاكمات فإن العقوبة الأشد وحدها هي التي تنفذ.

ومع ذلك إذا كانت العقوبات المحكوم بها من طبيعة واحدة فإنه يجوز للقاضي بقرار مسبب أن يأمر بضمها كلها أو بعضها في نطاق الحد الأقصى المقرر قانونا للجريمة الأشد.

المادة ۳۶: تضم العقوبات المالية ما لم يقرر القاضي خلاف ذلك بنص صريح.

المادة ۳۷: يجوز أن تضم العقوبات التبعية وتدابير الأمن في حال تعدد الجنایات أو الجنح ويكون تنفيذ تدابير الأمن التي لا تسمح طبيعتها بتنفيذها في كن واحد بالترتيب المنصوص عليه في قانون تنظيم السجون وإعادة تربية المساجين.

المادة ۳۸: ضم العقوبات في مواد المخالفات وجوبی

تکرار جرم در قانون العقوبات الجزائری در ماده ۵۴^{۱۱} و با نام العود آمده است، در این ماده بیان شده است چنانچه یک شخص طبیعی مرتکب جرمی گردد و هنوز برای وی حکمی صادر نشده باشد و مجدداً مرتکب جرمی با مجازات بیش از پنج سال حبس گردد، در صورتی که برای وی حکم نهایی صادر گردد این شخص مرتکب تکرار جرم شده است این ماده ۹ بار مورد ویرایش قرار گرفته است، بر اساس ویرایش اول^{۱۲} و ویرایش چهارم^{۱۳} این ماده شخصی که مرتکب تکرار جرم می‌گردد فقط مشمول مجازات‌های تکمیلی و تشدید مجازات است و نه تخفیف مجازات و هیچ نامی از تخفیف مجازات وجود ندارد لذا می‌توان بیان داشت که در حقوق الجزایر در مورد مجرمی که مرتکب تکرار جرم شده است تخفیف وجود نخواهد داشت.

در مقام مقایسه میان این دو قانون مجازات، مشاهده میشود در حقوق ایران در خصوص تعدد جرم و در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه میتواند مجازات را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات فاقد حداکثر و حداقل باشد تا نصف تقلیل دهد و در قانون الجزایر تعدد جرم اگر همراه با کیفیات مخففه باشد قاضی به بیش از یک مجازات حکم نمی‌دهد.

در خصوص تکرار جرم در حقوق داخلی با توجه به تصریح قانونگذار امکان اعمال تخفیف مجازات وجود دارد در حالیکه در حقوق الجزائر نه تنها تخفیف مشمول این مورد نمی‌گردد بلکه مرتب تکرار جرم به مجازات‌های تکمیلی و نیز تشدید مجازات محکوم خواهد شد، با مقایسه‌ای سطحی میان نتیجه این قیاس می‌توان دریافت که حقوق داخلی قویتر عمل نموده است چراکه هدف از مجازات هر مجرمی بازگرداندن وی به آغوش اجتماع است و نه تنها تنبه و تنبیه او، چیزی که به وضوح می‌توان در حقوق الجزایر مشاهده نمود.

نتیجه گیری

در این تحقیق با هدف یافتن قانون برتر و ارائه پیشنهادات مفیدی که در طول تحقیق به آن‌ها خواهیم رسید و استخراج خواهیم نمود به بررسی نظام تخفیف مجازات در حقوق دو کشور ایران و الجزایر که هر دو خط مشی خود را از قانون فرانسه گرفته‌اند

۱- العود: المادة ۵۴ مكرر: (القانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ فی ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶)

إذا سبق الحكم نهائياً على شخص طبيعي من أجل جنائية أو جنحة معاقب عليها قانوناً بعقوبة حدتها الأقصى يزيد عن خمس (۵) سنوات حبساً، وارتكب جنائية، فإن الحد الأقصى للعقوبة الجنائية المقررة يصبح السجن المؤبد إذا كان الحد الأقصى للعقوبة المقررة قانوناً لهذه الجنائية عشرين (۲۰) سنة سجناً. وتكون العقوبة المقررة هي الإعدام إذا أدت الجنائية إلى إزهاق روح إنسان. ويرفع الحد الأقصى للعقوبة السالبة للحرية إلى الضعف، إذا كان الحد الأقصى للعقوبة المقررة قانوناً لهذه الجنائية، يساوي أو يقل عن عشر (۱۰) سنوات سجناً و يرفع الحد الأقصى للغرامة المقررة إلى الضعف.

۲- المادة ۵۴ مكرر ۱: (القانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ فی ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶)

إذا سبق الحكم نهائياً على شخص طبيعي من أجل جنائية أو جنحة معاقب عليها قانوناً بعقوبة حدتها الأقصى يزيد عن خمس (۵) سنوات حبساً، وارتكب خلال العشر سنوات التالية لقضاء العقوبة السابقة، جنحة معاقباً عليها بنفس العقوبة، فإن الحد الأقصى لعقوبة الحبس والغرامة المقرر لهذه الجنحة يرفع وجوباً إلى الضعف.

ويرفع الحد الأقصى للعقوبة السالبة للحرية إلى عشرين (۲۰) سنة حبساً، إذا كان الحد الأقصى للعقوبة المقررة قانوناً لهذه الجنحة يزيد عن عشر (۱۰) سنوات وإذا كان هذا الحد يساوي عشرين (۲۰) سنة حبساً، فإن الحد الأدنى لهذه العقوبة يرفع وجوباً إلى الضعف. كما يجوز الحكم أيضاً بواحدة أو أكثر من العقوبات التكميلية المنصوص عليها في المادة ۹ من هذا القانون.

۳- المادة ۵۴ مكرر ۴: (القانون رقم ۲۳-۰۶ المؤرخ فی ۲۰ ديسمبر ۲۰۰۶)

إذا سبق الحكم نهائياً على شخص طبيعي من أجل مخالفة، وارتكب خلال السنة التالية لقضاء العقوبة السابقة نفس المخالفة، تطبق عليه العقوبات المشددة لحالة العود المنصوص عليها في المادتين ۴۴۵ و ۴۶۵ من هذا القانون.

پرداختیم به این امید که بتوانیم با الهام‌گیری از نقاط قوت و ضعف هر کدام از این دو قانون به ارائه پیشنهادهای بپردازیم که ان-شالله در جهت تعالی حقوق داخلی مورد استفاده قرار گیرد.

از طریق مقایسه تطبیقی متون قانونی به دنبال پاسخی برای این سوال‌ها و نیز اثبات این فرضیه‌ها بودیم:

سوال اول: با توجه به اینکه هدف از اعمال تخفیف مجازات در حقوق ایران، عمل در راستای نفع متهم اعلام شده، با مقایسه دو قانون آیا قانون داخلی به نسبت همتای خارجی خود به این هدف نائل آمده است؟ بله

با مقایسه تطبیقی این دو قانون مشاهده گردید که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در موارد بسیاری درست همانند همتای الجزائری خود عمل نموده است برای مثال در مبحث اسباب تخفیف، در مبحث برخورد کیفیات مخففه و مشدده، در مبحث تناسب جرم با شخصیت مجرم و... اما در برخی موارد باقی مانده حقوق داخلی به معنای واقعی درخشیده و قدمت نظام تخفیف مجازات را می‌توان در قانون مجازات اسلامی مشاهده نمود، برای مثال در مبحث صغر سن که قانون مجازات اسلامی سن قانونی را ۱۸ سال اعلام نموده و نیز تخفیف مجازات را برای جرائم اطفال و نوجوانان لحاظ کرده و نیز شاخص سن رشد را در اعمال مجازات برای این مجرمین لحاظ می‌نماید درست برخلاف حقوق الجزایر.

در مبحث دفاع مشروع نیز حقوق داخلی خوش درخشیده است چراکه شرایطی را مطرح نموده است که هم به نفع نظم عمومی بوده و نظم عمومی را مطرح نموده است، هم حقوق مجرم را در برمی‌گیرد، و هم حق مجنی‌علیه را ضایع ننموده است که این موضوع برتریت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را بیان می‌نماید، در حالی که در حقوق الجزایر دفاع مشروع به نحوی مطرح شده است که صرفاً امکان دفاع از خود و دیگری و همچنین مال متعلق به خود و دیگری پرداخته است و هیچ سخنی از عرض و ناموس نیست.

در مبحث شمولیت کیفیات مخففه در مبحث تعدد جرم که در حقوق داخلی با اجازه مجلس امکان اعمال تخفیف برای مجرم مرتکب تعدد جرم وجود دارد در حالی که قانون العقوبات الجزائری از این مبحث خالی می‌باشد.

در حقوق داخلی شخص قاضی اجرای احکام، متهم، دادستان، و حتی قاضی صادرکننده حکم در برخی موارد می‌توانند درخواست تخفیف را بدهند این در حالی است که در حقوق الجزایر تنها شخص قادر بر این کار قاضی می‌باشد و لاغیر.

تمام این قوانین در جهت حفظ حقوق مجرم و در راستای حقوق وی عمل نموده‌اند.

سوال دوم: آیا حقوق ایران در موضوع تخفیف مجازات برتر از حقوق الجزایر عمل نموده است؟

پاسخ به این سوال دو قسم دارد، یک بله و یک پاسخ خیر.

علت پاسخ بله این است که اگر بصورت کلی مسئله اجرای تخفیف مجازات را مدنظر قرار دهیم بله حقوق داخلی بهتر عمل نموده است چنانکه شرح آن در پاسخ سوال اول آمد.

اما چنانچه منظور از تخفیف مجازات را خود نظام تخفیف مجازات و نه نحوه اجرای آن بیان نمائیم که عبارت است از کیفیات مخففه و معاذیر مخففه پاسخ خیر می‌باشد چراکه در حقوق الجزایر مسئله‌ای به نام کیفیات مخففه وجود دارد که بسیار به نفع متهم کار می‌کند که عبارت است از آن اسبابی که در قانون حصر نشده‌اند و قاضی می‌تواند براساس سلیقه شخصی خود آن‌ها را اعمال نماید که آن‌ها اسباب رافت می‌نامند.

بنظر نگارنده این نامگذاری بسیار بخردانه بوده است چراکه امنیتی را در دل مجرمین ایجاد می‌نماید که قانونگذار صرفاً به آن‌ها به چشم عنصری که مخالف نظم قانون است ننگریسته بلکه آن‌ها را اشخاصی جایز الخطا دانسته که می‌خواهد آن‌ها را مشمول رافت خود قرار دهد.

فرضیه های تحقیق:

۱- تخفیف مجازات در ایران با هدف آسان‌گیری بر برخی مجرمین، حبس زدایی، صدور حکم متناسب با وضعیت مجرم و ... اعمال می‌شود.

بله این فرضیه اثبات شد، همانا قرار دادن تخفیف مجازات در تمام جرائم تعزیری (به غیر از استثنائات)، اهمیت به وضعیت خاص مجرمین از قبیل سن، جایگاه اجتماعی و اقتصادی و ... را می‌توان دلیل بر آسان‌گیری برای مجرمین قرار داد.

۲- هدف سیستم حقوقی دو کشور افزایش بازپروری مجرمین و کمک برای بازگشت آنان به آغوش جامعه می‌باشد، در نتیجه این دو یکسان عمل نموده‌اند.

در موارد بسیار زیادی این دو حقوق یکسان عمل نموده‌اند اما در مقام نتیجه‌گیری حقوق داخلی با چند پله اختلاف دارای مقام برتر می‌باشد.

پیشنهادات:

۱- پیشنهاد می‌گردد حقوق داخلی نیز مانند همتای الجزائری خود نظامی مانند اسباب رافت را ایجاد نماید.

۲- پیشنهاد می‌شود مانند قانون العقوبات الجزائری مجازات‌های تکمیلی اختیاری وضع گردد.

۳- پیشنهاد می‌شود به غیر از تعزیرات دیگر مجازات‌ها نیز مشمول تخفیف مجازات قرار گیرند.

در مجموع به این نتایج رسیدم:

الف) شباهت‌های میان دو قانون:

۱- هر دو حقوق دارای اسباب تخفیف مصرحه در قانون هستند.

۲- در هر دو حقوق در استفاده از کیفیات مخففه از حیث نوع و مقدار و روش آن تناسب با شخصیت محکوم رعایت می‌گردد.

۳- در هر دو حقوق فقط محکمه قادر به اعطای تخفیف است نه دادسرا و نه هیچ نظام دیگری.

۴- در هر دو قانون الزام به ذکر جهات تخفیف در حکم وجود دارد با این تفاوت که در حقوق الجزایر این الزام تنها برای معاذیر مخففه است و نه کیفیات مخففه.

۵- هر دو حقوق در خصوص برخورد میان کیفیات مخففه و مشدده رویه یکسانی دارند.

۶- جهات مخففه در حقوق ایران و معاذیر مخففه در حقوق الجزایر در صورت شمولیت برای پرونده‌های قابل حذف نمی‌باشند.

۷- در هر دو قانون تخفیف مجازات مشمول جرائم اطفال می‌گردد.

۸- در هر دو حقوق سن و هیجان‌ات در حین جرم از اسباب تخفیف آمده‌اند.

۹- در هر دو قانون قاضی می‌تواند از اسباب تخفیف تفسیر موسع نماید.

ب) تفاوت‌های میان دو قانون:

۱- بر خلاف حقوق داخلی قاضی الجزائری در اعمال کیفیات مخففه اختیارات گسترده ای دارد.

۲- قاضی الجزائری در خصوص ذکر کیفیات مخففه (نه معاذیر) هیچ الزامی ندارد.

۳- مجازات‌های تکمیلی در حقوق داخلی عام بوده اما در حقوق الجزایر دو نوع اختیاری و اجباری می‌باشد.

۴- سن قانونی شروع به مجازات در حقوق الجزایر ۱۲ سال و بدون اهمیت به جنس وی می‌باشد اما در حقوق ایران برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری می‌باشد.

۵- در حقوق داخلی هر مجازاتی که مختص اطفال باشد مشمول تخفیف می‌گردد در حالی که در حقوق الجزایر مجرمین ۱۵ یال به بالا می‌توانند مشمول تخفیف قرار نگیرند.

۶- در حقوق الجزایر تخفیف مجازات مشمول تمام انواع مجازات‌ها می‌باشد در حالیکه در حقوق داخلی تنها مشمول مجازات‌های تعزیری است.

منابع و مأخذ:

منابع فارسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- قانون اخلاک‌گران در امنیت پرواز ۱۳۲۹.
- ۳- قانون اساسی.
- ۴- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
- ۵- آذرخش، احمدرضا، روزبهانی دشتبانی، محمدو عبدالمحمد کردی، ۱۳۹۲، (جهت تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، هشتمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی.
- ۶- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان.
- ۷- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان.
- ۸- پالیزبان، حمیدرضا، ۱۳۹۷، تخفیف مجازات در نظام کیفری ایران، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۹- جمالویی، فاطمه، ۱۳۹۶، تحولات تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دانشگاه قم.
- ۱۰- جمشیدی، مرتضی، ۱۳۸۹، تعدد و تکرار جرم در قوانین کیفری ایران " حقوق جزای عمومی"، چاپ اول، تهران، انتشارات ملکان.
- ۱۱- جیشانیپور، مهدی، ۱۳۹۵، ((بررسی مقررات مربوط به تخفیف مجازات با تاکید بر قوانین جدید کیفری و قانون مجازات نیروهای مسلح))، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا.
- ۱۲- چراغی، محمودو ابوالفتح خالقی، تیرماه ۱۳۹۵، ((بررسی تحولات قانون مجازات اسلامی در حوزه تخفیف و تشدید کیفرها))، اولین همایش ملی آینده پژوهشی - علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
- ۱۳- حسینی، راضیه، ۱۳۹۶، نهاد تخفیف و تشدید مجازات با مطالعه تطبیقی قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قدس.
- ۱۴- حقی حسن آبادی، فرهاد، ۱۳۹۵، بررسی رویکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ راجع به کیفیات مخففه قضایی، دانشگاه تبریز.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، جلد ۱، دوره جدید ۱۳۷۷، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۶- رحمت الله نوری، فیروزه، ۱۳۹۰، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۷- زراعت، عباس، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی ۳(مجازات‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی)، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۸- سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۹- شاهسونی، رضا، ۱۳۹۴، بررسی تخفیف قضایی مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان، دانشگاه پیام نور استان البرز، مرکز پیام نور کرج.
- ۲۰- شامبیانی، هوشنگ، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد.
- ۲۱- شقاقی، عباس، ۱۳۹۴، حدود اختیارات قاضی کیفری در تخفیف مجازات با محوریت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

- ۲۲- صالحی، محمد، ۱۳۹۶، ارزیابی تخفیف مجازات در قانون مجازات ۹۲، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۲۳- صانعی، پرویز، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، نشر گنج دانش.
- ۲۴- طاهری نسب، یداله، ۱۳۸۱، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور.
- ۲۵- عابدینی، محمدحسن، ۱۳۹۴، کیفیات مخففه مجازات در نظام کیفری ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
- ۲۶- عظیمی، الهام، ۱۳۹۵، تخفیف مجازات و منافات آن با اصل قطعیت مجازات هابا لحاظ تحولات تقنینی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی شهر قدس.
- ۲۷- غلام زاده، هاشم، ۱۳۹۷، بررسی احکام عفو و تخفیف مجازات محکومین در حقوق اسلامی با تکیه بر فقه امامیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
- ۲۸- فلاحی، ابوالقاسم، تابستان ۱۳۹۷، ((تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲))، چاپ مجله حقوقی دادگستری، شماره یکصد و دوم، صفحه ۱۱۰ الی ۱۲۷.

منابع عربی:

- ۱- قانون العقوبات الجزائری سنه ۲۰۱۶.
- ۲- قانون العقوبات المصری
- ۳- اسحاق، ابراهیم منصور، ۲۰۱۷، قانون العقوبات الجزائری جنایی خاص (فی الجرائم الاشخاص و الاخلاق و الاموال و امن الدولة)، الجزائر، دیوان المطبوعات الجامعیة، ص ۳۹۹-۳۹۸.
- ۴- احسن، بوسقیعة، ۲۰۱۱، الوجیز فی القانون الجنایی العام، الجزائر، دار هومة، ص ۱۵
- ۵- امغار، حنان، عبداللطیف، عبدون، ۲۰۱۳-۲۰۱۴، انماط تخفیف العقوبات فی اطار قانون تنظیم السجون رقم ۰۴/۰۵، جامعه عبدالرحمان میره بجایه، کلیه الحقوق و العلوم الساسیه، قسم القانون الخاص.
- ۶- بهیار سعید عزیز، دزه، ۲۰۱۴، عذر الاستفزاز فی القانون الجنایی، لبنان، منشورات الحلبي.
- ۷- جمال ابراهیم، الحیدری، ۲۰۱۰، احکام المسئولیه الجزائیه، العراق، مكتبة السنهوری.
- ۸- زینب، محمد فرج، ۲۰۱۴، اثر الصله بین الجنایی و المجنی علیه فی العقوبه، مصر، دارالوفاء.
- ۹- سعدی، محمد، ۲۰۱۷-۲۰۱۸، الظروف المخففه و اثرها على المسئولیه الجنائیه، جامعه عبد الحمید بن بادیس مستغانم، کلیه الحقوق و العلوم السیاسه، قسم القانون الخاص تخصص قانون خاص معمم.
- ۱۰- سید مصطفی، ۲۰۰۵، ((الظروف المخففه فی قانون العقوبات الاردنی))، مجله العلوم الانسانیه، عدد ۱۲.
- ۱۱- عبدالعزیز محمد، محسن، ۲۰۱۳، الاعذار القانونیه المخففه من العقاب فی الفقه الاسلامی و القانون الوضعی- دراسه مقارنه، مصر، دار الجامعه الجدیده.
- ۱۲- عبدالله، اوهابیة، ۲۰۱۱، شرح قانون العقوبات الجزائری-القسم العام، الجزائر، موفم النشر.
- ۱۳- منصور، رحمانی، ۲۰۱۱، الوجیز فی القانون الجنایی العام، فقه و قضايا، الجزائر، دار العلوم للنشر.
- ۱۴- نشات اکرم، ابراهیم، ۲۰۱۴، القواعد العامه فی قانون العقوبات المقارن، مصر، الدار الجامعیه للطباعه.